

دلایل مطرح شدن «دین الاهی» از سوی اکبرشاه گورکانی در هند

احمدرضا عبادی*

محمد مهدی علیمردی**

چکیده

هند به عنوان سرزمینی برخوردار از تکثر دینی همواره در طول تاریخ شاهد شکل‌گیری انشعابات جدید دینی و فرقه‌ای بوده است. با ورود اسلام به این سرزمین، از سویی این روند شکل گسترده‌تری به خود گرفت؛ از سوی دیگر حفظ حکومت برای حاکمان مسلمان در قلمرویی با این تکثر دینی و فرقه‌ای مسئله‌ساز شد. هر کدام از حاکمان مسلمان در رویارویی با این مسئله روشی را برگزیدند. اکبرشاه گورکانی یکی از این حاکمان در ۹۸۹ ه.ق.، برای مقابله با این مسئله به فکر ایجاد «دین الاهی» افتاد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این ایده بررسی شده است. این تحقیق نشان می‌دهد می‌توان مطرح‌شدن دین الاهی از سوی اکبر را حاصل شخصیت تساهل‌گرای او، بافت متکثر قلمرو وی به لحاظ دینی و ویژگی‌های خاص دوره حکومت اکبر به لحاظ اجتماعی و سیاسی دانست.

کلیدواژه‌ها: اکبرشاه گورکانی، دین الاهی، شبه‌قاره هند، تساهل دینی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
ebadi1983@gmail.com

** استادیار گروه ادیان غیرابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب
alim536@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴]

مقدمه

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف همواره یکی از مسئله‌برانگیزترین موضوعات در تاریخ اندیشه بشر بوده است. در بسیاری از جنگ‌ها و مناقشات تاریخی رد پای دین به عنوان یکی از عوامل پشت صحنه قابل ردیابی است. شبه‌قاره هند از دیرباز به دلیل وجود ادیان و آیین‌های متعدد یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه بوده است. با ورود اسلام به شبه‌قاره هند و شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی چگونگی مواجهه و تعامل با اصحاب سایر ادیان نیز به این مشکل افزوده شد. ادیبانی که در ماهیت و آموزه‌ها و ارزش‌ها تفاوت‌ها و گاه تضادهای بنیادینی با اسلام داشتند. نخستین ارتباطات مسلمانان با هندوها در ابتدا در قالب تجارت دریایی بود. لذا آنچنان گرفتار مسائلی از این دست نبودند (مجتبایی، ۱۳۶۷: ۵۸۱)، اما با گسترش فتوحات اسلامی در این منطقه در زمان خلیفه دوم (کوفی، ۱۳۸۴: ۸۹-۹۰) حاکمان مسلمان که ابتدا در صدد مقابله با این واقعیت‌های جامعه هند و گسترش اسلام بودند با گذر زمان به این نتیجه رسیدند که برای حفظ حکومت خود در برخی مقاطع ناچار به تعامل مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان هستند. بارزترین نمود این رویکرد را اکبرشاه گورکانی در ۹۸۹ ه.ق. داشت که در قالب طرحی به نام «دین‌الاهی» پدیدار شد.

هند، به عنوان سرزمینی که از دیرباز شاهد شکل‌گیری این‌گونه اعتقادات و آیین‌ها در قالب ادیان و فرق‌گونه‌گون است، در مواجهه با پدیده اسلام دچار همین نوع مقاومت‌ها می‌شود. در کنار این مقاومت‌ها وضعیت اجتماعی جامعه انسانی در این منطقه هم‌زمان با ورود اسلام و بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های موجود در آن موجی از اقبال گسترده به اسلام را نیز خلق می‌کند. این مقاومت و پذیرش هم‌زمان، در گذر زمان به مسئله‌ای برای حکام مسلمان، که در پی حفظ قدرت حاکمیت خود هستند، بدل می‌شود و بار دیگر عرصه را برای بروز دیدگاه‌های اصلاح‌گرایانه در خصوص دین فراهم می‌کند. اکبرشاه، به عنوان یکی از حاکمان مسلمان دوره میانی تاریخ هند، که در روزگار شکوفایی تمدن اسلامی نیز به سر می‌برد، یکی از دارندگان این نمونه دیدگاه‌ها است. او با پیش‌کشیدن طرحی و با دعوت از اصحاب تمام ادیان، تجمیع ارزش‌های آنها را تحت عنوان «دین‌الاهی» در ذهن می‌پروراند. این تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین دلایل منجر به شکل‌گیری چنین ایده‌ای چه بوده است. در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح است که سه دلیل عمده، یعنی پیش‌زمینه‌های

شخصیتی اکبر، حضور عناصر متنوع دینی در دربار وی و ویژگی‌های خاص مقطع زمانی دوره حکومت اکبر را می‌توان دلایل مطرح‌شدن دین الاهی از سوی اکبر، دانست. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی جنبه‌های مختلف شکل‌گیری ایده «دین الاهی» را از سوی اکبرشاه بررسی می‌کند. همچنین با توصیف و تحلیل محتوای اصول و قواعد تعیین‌شده در چارچوب «دین الاهی» و منشأ اخذ آنها از قبیل ادیان مختلف بومی هند، عرفان اسلامی و آموزه‌های عرفانی موجود در عصر مذکور، ویژگی‌های زمانی و محیطی، میزان تأثیر هر یک از این سرچشمه‌های ارزشی را در شکل‌گیری این ایده بررسی می‌کند. بدین ترتیب کوشیده‌ایم با بررسی کل دوران زندگی اکبر قبل و بعد از حکومت او در هند، همه دلایل دخیل در مطرح‌شدن دین الاهی از سوی وی را بکاویم.

۱. پیش‌زمینه‌های شخصیتی اکبر

۱.۱. نقش زادگاه اکبر در تساهل‌گرایی وی

اکبر در خاندانی چشم به جهان گشود که دو تن از مشهورترین چهره‌های تاریخ آسیای مرکزی را در خود داشت: چنگیزخان و تیمور لنگ. شخصیت اکبر میراثی مرکب از ویژگی‌های اخلاقی این دو بود (Alam Khan, 1986: 8; Smith, 1917: 8). به لحاظ عقاید دینی چنگیز پیرو شمنیسم و خود، شمن^۱ بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۸۵). او برای تمامی ادیان احترام قائل بود و اغلب در تمامی مراسم‌های دینی، که زیردستان وی برگزار می‌کردند، حاضر می‌شد. زیرا معتقد بود مردم کشورش باید ایمانشان را به نحوی به منصفه ظهور برسانند (Alam Khan, 1986: 81). این روحیه دینی تساهل‌گرا در کل خانواده چنگیز دیده می‌شد. آنها، هم در آیین‌های مذهبی مسیحیان نسطوری شرکت می‌جستند، هم در مراسم‌های مذهبی مسلمانان و هم آیین‌های دینی بوداییان (Kennedy, 1968: 1/27). چنگیز همچنین به ضرورت گفت‌وگوی بین‌الادیانی توجه ویژه‌ای داشت (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۸۵). بنا بر نوشته ویل، او پس از فتح ایران دستور می‌دهد جمعی از علما را به دربار وی آورند تا اطلاعاتی درباره چارچوب اعتقادات مسلمانان کسب کند (Vayle, 1927: 1/17). در دیگر خاندان‌های مغول آسیای مرکزی نیز می‌توان چنین روحیه‌ای را یافت. برای مثال، تیمور وقتی ایمان آوردن لشکریانش را به اسلام مشاهده می‌کند، خود نیز اسلام می‌آورد در حالی که تا آن زمان از عمرش پیروی از شمنیسم، بودیسم و مسیحیت را

تجربه کرده بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۹۲). قوبیلای قآن، از نوادگان چنگیز، نیز در ۱۲۶۹ میلادی هیئتی را به منظور دستیابی به زمینه‌های اشتراک فکری و عملی با غرب به دیدار پاپ وقت گسیل کرد. او درخواست کرد یکصد مرد عالم بدین منظور به دربار وی درآیند (Vayle, 1927: 1/19). همچنین، نقل است که منگو قآن،^۲ دیگر پادشاه مغول هم‌زمان از چندین مشاور مسیحی نسطوری و شمن بهره می‌برد (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۸۵). اگر مغولان تا پیش از فتح هندوستان به اسلام نگرویده بودند چه‌بسا آیین‌ها و ادیان باستانی هند را علی‌رغم تمام امتیازها یا کاستی‌ها می‌پذیرفتند.

علاوه بر این، دیدگاه‌های اجداد اکبر را نیز نباید در پیدایش گرایش‌های تساهلی در وی نادیده گرفت، چنان‌که بابر، نخستین پادشاه گورکانی هند، در وصیت‌نامه خود، او را به اجتناب از تعصب دینی فرا می‌خواند و به رفتار بر مبنای عدالت و بر اساس آیین هر دین، با پیروان ادیان توصیه می‌کند و فرزندان او را به تبلیغ اسلام با حجت به جای شمشیر فرا می‌خواند (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۱۹۹). او همچنین فرزندش را به دقت نظر در اختلاف تسنن و تشیع می‌خواند و این اختلاف را سبب ضعف اسلام و آسیب‌پذیری آن می‌داند. بابر در پایان با آوردن مثال هماهنگی و اعتدال چهار عنصر در مزاج انسان، هماهنگی و اعتدال بین ادیان هر جامعه را برای سلامتی سیاسی آن ضروری می‌داند و این را در قالب سیاستی به فرزندان خود توصیه می‌کند که بعدها سرلوحه کار اکبر قرار می‌گیرد (همان).

۱.۲. تجربه فضای چنددینی در دوران کودکی اکبر

۱.۲.۱. دین و مذهب خانواده اکبر

اکبر در خانواده‌ای به دنیا آمد که هر گاه در اختیارکردن تشیع و تسنن مخیر می‌شدند، آنی را انتخاب می‌کردند که منافع سیاسی بیشتری برایشان تأمین می‌کرد. کمااینکه، به نوشته اسمیت در «اکبر، مغول بزرگ»، در دوران کودکی اکبر که در ایران سپری شد، پدرش همایون، که با خانواده به دربار شاه‌طهماسب پناه آورده بود، مجبور شد برای در امان ماندن از آزار او با امضای تعهدنامه‌ای قول دهد که در طول مدت اقامتشان طبق تعالیم شیعه رفتار کند (Smith, 1917: 17). البته دلایلی که وی مطرح کرده در این اثر با انتقاداتی (Ali, 1915) روبه‌رو است. این دوره حضور اکبر در ایران، مهد فرهنگ و ادب، باعث شد علایق شیعی بی‌سروصدا در ذهن وی نقش بندد. رد پای

این تأثیرات را می توان بعدها در نام گذاری فرزندان اکبر به «حسن و حسین» یافت (بدائونی، ۱۳۷۹: ۴۸/۲).

اما هنگامی که اکبر دوران بلوغ را پشت سر گذاشت، محیط و موقعیت زندگی اش در هند چنان او را تحت تأثیر قرار داد که به سرعت شخصیت وی را تغییر داد، تا جایی که به نوشته اسمیت از او فردی نیمه هندو ساخت (Smith, 1917: 10). دیدگاه تساهل گرای اکبر ابتدا تحت تأثیر شخصیت مادرش شکل گرفت و اولین بذره‌های تساهل دینی را او در سنین کودکی در دل اکبر کاشت. معاشرت زود هنگام او با عرفای صوفیه در دربار کابل نیز در شکل گیری دیدگاه‌های آزاداندیشانه در ذهن اکبر نقش عمده‌ای داشت. به‌ویژه آشنایی او با مفهوم عرفانی نیل به لقاءالله از طریق پاکی قلب و روح و ترجیح داشتن آن نسبت به تکیه کردن صرف بر پیروی از دستورالعمل‌های خشک و ظاهرگرایانه دینی (فدایی، ۱۳۷۴: ۱۴۷). علاوه بر این، شخصیت دینی متساهل و تساهل گرای خود اکبر نیز عامل دیگری (Ahmad, 1991: 2/296) در سوق دادن وی به سوی ابداع در دین بود.

۲. فضای چنددینی دربار اکبر

فضای دربار اکبر به لحاظ زمانی پیش از طرح دین الاهی چنددینی بود و می توان آن را در شکل گیری این ایده در ذهن او مؤثر دانست. هنگامی که اکبر در دهلی بر تخت سلطنت جلوس کرد عنصر هندو در ساختار اداری حکومت اسلامی به عنصری پایدار بدل شده بود. وقتی اکبر به حکومت رسید تعامل مداوم مسلمانان با هندوها انگیزه تبلیغ و اشاعه اسلام را در آنان کم رنگ کرده بود. البته خود اکبر تحت تأثیر صدرالصدورش^۳ عبدالنبی به مسلمان سنی مذهب خشن و افراطی بدل شده بود. او گاه آنچنان کم طاقت می شد که دستور قتل برخی را به اتهام کفر صادر می کرد (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۶/۲). اما این تندروی او بعدها فروکش کرد، چراکه اکبر پیش از آنکه به بیست سالگی برسد پرداخت جزیه را ملغا کرد و اخذ مالیات زیارت هندوها را نیز متوقف کرد (همان: ۱۹۲/۲).

اکبر با آنکه سواد چندانی نداشت (Smith, 1917: 22) اشتراک ادیان موجود در قلمروش در برخی ارزش‌ها را درک می کرد. او در مواجهه با پیروان ادیان دیگر تساهل بیشتری نشان می داد. به‌ویژه آنکه وی دوران کودکی اش را به همراه پدر، در دربار شاه طهماسب صفوی گذرانده بود، همان‌گونه که در دربار اکبرشاه، بسیاری از رجال

بزرگ شیعی حضور داشتند (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۰). این افق دید آزاداندیشانه بعدها رویکرد دینی وی را نیز تحت تأثیر قرار داد. البته او همواره عقلانیت را در منش فکری خود مد نظر داشت. نمونه‌ای از این عقلانیت را می‌توان در دفاعیات وی از اسلام در خلال روابط سیاسی‌اش با عبدالله‌خان ازبک مشاهده کرد که جلوه مسلمانی متکی به عقلانیت را به نمایش می‌گذارد (Ahmad, 1991: 2/296).

۲.۱. عوامل درون‌درباری

یکی دیگر از عواملی که می‌توان آن را در سوق‌دادن اکبر به سوی ایده دین‌الاهی مؤثر دانست، حضور عناصر متنوع دینی در دربار وی است؛ چه مسلمان و چه غیرمسلمان؛ و البته آنچه در این میان نباید از نظر دور داشت نقش زنان و کنیزان دربار وی است که از ادیان مختلف بودند و هر کدام تأثیرات خاصی بر عقاید و اعمال و رویکردها و تصمیمات اکبر داشتند.

۲.۱.۱. عناصر سنی دربار اکبر

عبدالنبی، صدرالصدور دربار اکبر، اهل سنتی متعصب بود و هدایت علمای زمانش را، که جملگی اهل تسنن بودند، در دست داشت. این مجموعه چارچوب شریعت را برای اکبر تعیین می‌کردند. در دوران حکومت اکبر قدرت و نفوذ مذهبی صدرالصدور به جایی رسیده بود که عملاً اسلام همان چیزی بود که بر زبان او جاری می‌شد (Smith, 1917: 42). ارادت اکبر هم به صدراعظم ضرب‌المثل شده بود. اکبر مرتباً در خانه صدر به خدمت وی می‌رسید و از وی استماع حدیث می‌کرد و از غایت تعظیم و احترام ... یک دو مرتبه کفش پیش پای او هم نهادند (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۴۰/۲). این اکثریت تسنن هنگامی برآشفتمند که اکبر از شیعیان برای شرکت در مباحثات دینی «عبادت‌خانه» (که در ادامه مقاله درباره آن توضیح داده خواهد شد) دعوت کرد. این آشفتگی با دعوت اکبر از غیرمسلمانان به اوج خود رسید. برای علمای اهل سنت متعصب دوره اکبر تحمل اینکه وی درباره اصول و فروع دین با کفار، که از نظر ایشان شامل شیعیان هم می‌شد، به بحث و گفت‌وگو می‌نشیند ناممکن بود. به گفته بدائونی، که ظاهراً ناراضی‌ترین فرد در نقد اقدامات اکبر بوده، علما از این اقدام اکبر بسیار آزرده‌خاطر بودند و احساس تحقیر می‌کردند (همان: ۱۷۷/۲-۱۷۸).

۲. ۱. ۲. عناصر شیعی دربار اکبر

هرچند سقوط بایرام‌خان پایانی بود بر دوره نفوذ شاهان شیعه ایران در هند اما هنوز در دربار اکبر عناصر شیعه فراوانی حضور داشتند که تعهد قلبی به ایران شیعه برایشان در اولویت بود تا حکومت اکبر تحت سلطه علمای تسنن. با این حال حضور هم‌زمان و متوازن این دو طیف از علما در دربار اکبر از احتمال وقوع نزاع‌های مذهبی داخلی می‌کاست. اما نخستین باری که نقش علمای شیعه در جلب نظر اکبر برجسته‌تر شد زمانی بود که بحث ازدواج موقت، متعه و تعدد زوجات در عبادت‌خانه پیش آمد؛ اینجا بود که برگ برنده به دست علمای شیعه افتاد (همان: ۲/۲۱۵). وقتی علمای سنی به بیان دیدگاه فقهی امام مالک در امر متعه پرداختند و در اقناع اکبر کم آوردند (همان) وی خواستار آن شد که دیدگاه دیگر مکاتب فقهی را نیز در این باره بدانند. اینجا بود که سه برادر از علمای شیعه ایران به نام‌های حکیم ابوالفتح، حکیم همایون و حکیم نورالدین گیلانی توانستند با بیان آرای فقه شیعه در باب متعه به نحوی عمل کنند که مطلوب خاطر اکبرشاه افتد و بدین‌گونه جایی در دربار برای خود دست و پا کنند.

به گفته بدائونی، ابوالفتح با تملق و چاپلوسی به دربار اکبر راه یافت: «به زور ندیمی تصرفی غریب در مزاج نموده خوشامدهای صریح گفته مماشات در وادی دین و مذهب کرده و پیش‌پیش رفته زود به درجه تقرب اعلی رسید» (همان: ۲/۱۴۵). او پرسش‌های فقهی اکبر را به نحوی پاسخ می‌داد که گویی می‌خواهد رضایت وی را جلب کند. بدائونی ابوالفتح را از جمله کسانی می‌داند که اکبر را از اسلام دور کرد (همان: ۲/۱۴۳-۱۴۵). یکی دیگر از عناصر بانفوذ شیعی در دربار اکبر به لحاظ سیاسی و دینی ملا محمد یزدی است. بدائونی او را نیز در جمله کسانی می‌آورد که سعی داشت اکبر را به سمت تشیع سوق دهد: «بعد از چندگاه ملا محمد یزدی، که او را یزیدی می‌گفتند، از ولایت آمده به ایشان ملحق شده مطاعن بی‌حد در شأن صحابه، رضی الله عنهم، پیدا کرده و نقل‌های غریب گفته پادشاه را خواست که به جانب تشیع کشد» (همان).

مطالعه‌ای دقیق درباره مباحثات انجام‌گرفته در عبادت‌خانه، بر اساس آنچه محسن فانی در *دبستان مذهب* می‌آورد، نشان می‌دهد که اختلاف علمای سنی و شیعه بر سر موضوعات مختلف به تدریج باعث شده بود اعتقادات دینی اکبرشاه گاه تا حدی تضعیف شود که در نبوت پیامبر و معجزاتش نیز دچار تردید شود. او کم‌کم داشت به

این نتیجه می‌رسید که برای مسلمان بودن لازم نیست آنچنان که ملاحیای دربار از او می‌خواستند به تمام جزئیات قرآن ایمان صریح داشته باشد. به تدریج و با افزایش اختلافات این علما بر سر مسائل فقهی و کلامی و حدیثی در اوایل شکل‌گیری عبادت‌خانه، خطاناپذیری منابع کلام اسلامی، یعنی قرآن و احادیث، در ذهن اکبر محل تردید قرار گرفت (همان: ۱۷۶/۲-۱۷۷). پس از پیوستن شیعیان به بحث‌های عبادت‌خانه تعصب افراط‌گرایانه و جمود فکری علمای سنی دربار برای اکبر آشکارتر، و باعث شد از آن پس درباره قبول هر آنچه پیش از این از همین علما تحت عنوان دین شنیده و پذیرفته بود به شک بیفتد. نتیجه این تحولات این بود که اکبرشاه گروهی تشکیل دهد به نام «چهل‌تن» که در قضاوت‌ها و مباحثات خود در عبادت‌خانه فقط با تکیه بر عقل احتجاج کنند (همان: ۲۱۵/۲). اکبر از آن جهت علمای شیعه را ترجیح می‌داد که به نسبت سایر ملل، اندیشه‌ای آزاد، روحیه‌ای روشنفکرانه، شخصیتی موقر و رفتاری متین و محترم داشت (Schimmel, 2004: 116).

۲. ۱. ۳. عناصر هندوی دربار اکبر

همان‌گونه که اشاره شد، وقتی اکبرشاه به تخت سلطنت نشست عناصر هندو تبدیل به بخشی ثابت در دربار و دستگاه اداری امپراتوری گورکانی شده بود. اکبرشاه وقتی وارد هند شد دریافت که کارگزاران مالی، بازرگانان و پیشه‌وران اغلب از میان هندوان هستند. البته او اندیشه‌ای آزاد داشت و مانند برخی دیگر از شاهان پیش از خود، مهارت و استعداد اداری را در انحصار مسلمانان نمی‌خواست. لذا در دوران حکومتش از میان هندوان سرلشکر، مطرب، صورتگر، طیب و جراح برای دربارش انتخاب می‌کرد؛ درباری که مملو از افراد فرهیخته و باسواد دیگری از میان پیروان آیین هندو بود. البته در این میان نباید از زنان و کنیزان هندوکیش وی گذشت که بحث بیشتر درباره آن در ادامه مقاله در بخشی با همین عنوان می‌آید.

در طول دوره اول عبادت‌خانه، جلسات به روی هندوان باز نبود و به مسلمانان اهل تسنن محدود می‌شد، اما به تدریج هندوها نیز، مثل پیروان دیگر ادیان، در جلسات عبادت‌خانه حضور یافتند. ترجمه کتب کلاسیک آیین هندو را باید یکی دیگر از علل و منابع آشنایی اکبر با مفاهیم و ارزش‌های این دین و در نتیجه علاقه‌مندی وی به آن برشمرد (بدائونی، ۱۳۷۹: ۲۲۳/۲). با تمام این تفاسیر در میان اعضای باشگاه دین

الاهی اکبر فقط نام یک نفر هندو در دست است که راجا بیربال (Rājā Birbal) است (Ahmad, 1991: 2/296).

۲. ۱. ۴. عناصر زرتشتی دربار اکبر

در زمان اکبر شهر ناواساری (Navsari)^۴ بزرگ‌ترین مرکز سکونت زرتشتیان هند بود که موبدان در آنجا به مناسک خود می‌پرداختند. به نظر می‌رسد اکبرشاه به شدت تحت تأثیر هنرمندی، پاکیزگی و عمل‌گرایی موبدان و پیروان زرتشتی یا پارسی‌ها بود. نکته مهم‌تر اینکه عقاید و باورهای این افراد درباره آتش و نور با دیدگاه‌ها و گرایش‌های شخصی خود اکبرشاه همخوانی داشت (Smith, 1917: 10). اکبر از سال ۱۵۷۶ م. به تدریج شروع به دعوت الاهی‌دانان پارسی ناواساری به دربار خویش کرد. وی تحت تأثیر تعاملاتی که با این موبدان داشت به تدریج به آیین‌های تقویم زرتشتی علاقه‌مند شد (Ibid.: 163) تا اینکه در سال ۱۵۸۰-۱۵۸۱ جشن‌های پارسی و روزهای تعطیل تقویم پارسی به فهرست تعطیلات ملوکانه اش افزوده شد و در نهایت تقویمی مطابق با تقویم زرتشتی نوشته شد (بدائونی، ۱۳۷۹: ۲/۲۱۳).

۲. ۱. ۵. عناصر سیک^۵ دربار اکبر

هم‌زمان با ورود اکبر به هندوستان، آیین سیک آنچنان شهرت و فراگیری نداشت و فقط یکی از ده‌ها دین و آیین دیگر بود. با وجود این، گزارش‌هایی حاکی از آن است که برخی گوروها با اکبر گفت‌وگو داشته‌اند و اغلب آنان از حسن استماع وی تمجید کرده‌اند (Cunningham, 1918: 52). سیاست تساهل طلبانه اکبر در قبال ادیان و آیین‌های مختلف باعث رشد و گسترش سیکسُم شد. به‌ویژه در زمان گورو آرجون، که پیروان آیین سیکه در تمام نقاط هندوستان دیده می‌شدند (فانی، ۱۳۶۱: ۲/۳۷۵).

۲. ۱. ۶. عناصر جینی^۶ دربار اکبر

در اوایل ورود اسلام به شبه‌قاره هند، جینیسم بیشتر مختص جنوب هند بود، هرچند برای مردم شمال این کشور و نیز اکبر آیین ناشناخته‌ای محسوب نمی‌شد. هنگامی که پیروان ادیان غیر از اسلام اجازه شرکت در جلسات عبادت‌خانه را یافتند، جین‌ها نیز در بین آنان دیده شدند. از میان اطلاعات جسته‌و‌گریخته‌ای که درباره

مشارکت جین‌ها در مباحثات عبادت‌خانه موجود است حتی تاریخ‌نگاران مدرن نیز تأثیرات این آیین را در جهان‌بینی اکبرشاه نادیده گرفته‌اند اما باید گفت رد پای تأثیرات ارزش‌های آیین جین را در دستور اکبرشاه مبنی بر محدودیت شکار و کشتار حیوانات می‌توان یافت (ابن‌مبارک، ۱۳۸۵: ۶۱)، هرچند این قوانین در دیگر ادیان بومی هند نیز وجود دارد.

۲. ۱. ۷. عناصر بودایی دربار اکبر

اینکه عناصر بودایی در جلسات بحث عبادت‌خانه شرکت داشته‌اند یا خیر هنوز محل تردید بسیار است. منابع موجود اشاره مستقیمی به شرکت پیروان این آیین در جلسات مذکور ندارند. پیروان بودیسم در زمان حکومت اکبر پرشمار نبودند. مورخان مدرن نیز نتوانسته‌اند نشانه‌ای از تأثیرات آیین بودا بر تفکر و اندیشه اکبر بیابند (Smith, 1917: 162). اما در هر صورت نمی‌توان نقش بوداییان را در ترغیب اکبرشاه به صدور دستور اعلام محدودیت شکار و کشتار حیوانات و نیز دیگر تصمیمات اداری دارای رنگ و بوی بشردوستانه، کمتر از پیروان و ارزش‌های جینیسم دانست.

۲. ۱. ۸. عناصر مسیحی دربار اکبر

سال ۱۵۷۲ م، هنگامی که اکبر به قصد فتح گجرات به سوی این منطقه حرکت کرد، در شهر کامبای با بازرگانان پرتغالی روبه‌رو شد که برای ادای احترام به حضور وی رسیده بودند. این دیدار چهره به چهره و مستقیم با جمعی مسیحی تأثیرات فراوانی در آینده فکری اکبر گذاشت (Smith, 1917: 136). همان‌گونه که در میان اروپاییان مرسوم بوده تعدادی کشیش نیز با همان اشتیاق همیشگی برای یافتن گروندگان جدید به دین مسیحیت با این بازرگانان همراه بودند. اکبر در این دیدار با کنجکاوی زیادی در باب احوال و آداب اروپاییان از پرتغالی‌ها می‌پرسد. شخصیت و منش این گروه پرتغالی تأثیر فراوانی بر اکبر می‌گذارد. از قضا این دیدار هم‌زمان با دوره‌ای است که عبادت‌خانه شکوفا شده و بحث‌های داغی در آن در میان فرق مختلف اسلامی (بدائونی، ۱۳۷۹: ۷/۲-۱۷۶) شکل گرفته بود اما هیچ‌یک هنوز نتوانسته بود جواب پرسش‌های فراوان اکبر را بدهد. در نتیجه اکبر بر آن شد تا مردانی آزموده را از میان مسیحیان گوا برای شرکت در مباحثات عبادت‌خانه دعوت کند. هدف و انگیزه اکبر از دعوت علمای مسیحی این بود

که کتب دینی شان، به ویژه اناجیل، را همراه بیاورند تا با آنها آشنا شود و دیدگاه‌های آنان را در مسائل الاهیاتی از نزدیک بشنود (Smith, 1917: 169). این رویکرد آزاداندیشانه اکبر در خصوص کشیشان مسیحی در نظر علمای مسلمان انحراف آشکار از اسلام و اصول آن تلقی می‌شد.

۲. ۱. ۹. عناصر یهودی دربار اکبر

آنچه از دبستان *مناهج* برمی‌آید این است که یهودیان نیز در جمع افراد حاضر در مباحثات صورت گرفته در عبادت‌خانه دیده می‌شده‌اند اما حضور آنان بیشتر مایه اختلاف‌افکنی بوده است، چراکه ایشان در نقش برپاکندگان مناقشات کلامی میان حضار، به ویژه علمای سنی و شیعه، ظاهر می‌شدند اما تا آنجا که به اکبر مربوط می‌شود او احترام چندانی برای یهودیت و یهودیان قائل نبوده است (فانی، ۱۳۶۱: ۷۱/۲). مدرک و شاهی نیز دال بر تأثیر آموزه‌های یهودی بر ساختار فکری اکبر دیده نمی‌شود.

۲. ۱. ۱۰. نقش زنان اکبر در گرایش وی به ایده وحدت ادیان

اکبر به بحث و گفت‌وگو حول موضوع ازدواج بسیار علاقه‌مند بود، آنچنان که خود می‌گوید زنان بسیاری را از گوشه و کنار هندوستان و خارج از آن به حرم‌سرای ملوکانه آورده بود: «چون در عنفوان جوانی مقید با این مسئله نبودیم آن مقدار که خواستیم زنان آزاد و بنده جمع کردیم» (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۴۳/۲). لذا این موضوع بسیار در عبادت‌خانه محل بحث واقع می‌شد. اکبر به عنوان شخصی مسلمان شرعاً نمی‌توانست بیش از چهار زن دائم اختیار کند اما او از علمای دربار توقع داشت راهی برای این مسئله بیابند: «حالا علاج آن چه توان کرد» (همان). بدائونی نقل می‌کند که از این‌رو اکبر یک شب قاضی یعقوب، شیخ ابوالفضل و حاجی ابراهیم از علمای دربار را دعوت کرد تا درباره متعه بحث کنند. بدائونی می‌گوید امام مالک و شیعیان متعه را جایز می‌شمارند. این نظر او در چشم اکبر پسندیده می‌آید اما قاضی یعقوب صراحتاً با این نظر مخالفت می‌کند. این مخالفت به بهای عزل وی از مسند قضاوت تمام می‌شود. اکبر با عزل او قاضی حسین را جایگزین او می‌کند. قاضی حسین نیز برای حفظ جایگاه تازه به‌دست‌آورده‌اش موافق نظر شاه قول بر جواز متعه می‌دهد. البته فقط قاضی یعقوب نبود که به دلیل مخالفت با متعه خلع می‌شود و قاضیان بسیاری با اتخاذ این موضع کار خود را از دست می‌دهند (همان: ۱۴۴/۲).

از اینجا می‌توان پی برد که تا چه اندازه دیدگاه‌های علما مصلحت‌اندیشانه و در جهت حفظ منافع شخصی بوده تا ذکر واقعیات. بنابراین، دور از واقعیت نیست اگر بگوییم در این میانه هر کسی به فکر خود بوده و دفاع از دین و بهانه‌های مشابه بیشتر در خدمت منافع شخصی بوده است.

زنان هندوی اکبر تأثیر شگرفی بر روی افکار و عقاید و در نتیجه تصمیمات وی داشته‌اند تا جایی که برخی برای جلب حمایت اکبرشاه در بحث راجع به ازدواج، تا آنه زن دائم را نیز جواز می‌دادند.^۷ زنان هندو در دربار اکبر گاه آنچنان در تصمیم‌گیری‌ها نفوذ داشتند که رأی اعدام افراد را نیز باطل می‌کردند. در یکی از این نمونه‌ها وقتی شخصی برهمن به جرم اینکه به پیامبر اسلام توهین کرده به حکم صدرالصدور به اعدام محکوم می‌شود، زنان هندوی دربار با پادرمیانی از اعدام او جلوگیری می‌کنند (همان: ۵۷-۵۵/۳). نفس حضور زنان هندو در دربار اکبر مجرای ورود بسیاری از آداب و رسوم هندو به دربار بود و بسیاری آیین‌های هندویی در درباری که متعلق به شاهی مسلمان بود آزادانه اجرا می‌شد.

۳. ویژگی‌های خاص زمان ابداع دین الاهی

در آستانه مطرح شدن ایده دین الاهی از سوی اکبر، اسلام در هند شاهد جنبش انحرافی هزاره‌گرایی یا «الفی» بود که بر لزوم بازنگری و اصلاح در دین اسلام پس از گذشت هزار سال از ظهور پیامبر اسلام تأکید داشتند (همان). همچنین، از آنجا که اکبرشاه خود را به بهانه آنکه دقیقاً هزار سال بعد از ظهور پیامبر به حکومت رسیده است به عنوان اصلاح‌گر اسلام معرفی می‌کرد این شایعه را در میان منتقدان وی تقویت کرده بود که وی قصد ادعای نبوت و حتی خدایی دارد ("DIN-I ILAHI", Britannica). اما احتجاجات او در خلال مناسبات سیاسی با عبدالله‌خان ازبک نشان می‌دهد که وی چنین ادعاهایی درباره پیامبری و خدایی نداشته است (Ahmad, 1991: 2/296). اکبرشاه در برابر این جنبش‌ها به پا خاست و با نفوذی که صدرالصدور عبدالنبی در تصمیماتش داشت مانند اهل تسننی متعصب و سخت‌گیر دستور دست‌گیری و قتل برخی از این افراد را داد که در میان آنها برخی شیعیان نیز حضور داشتند که از آن جمله می‌توان به میرحیسی اشاره کرد (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۷/۲).

یکی دیگر از این افراد شیخ مبارک ناگوری است که الاهی‌دانی آزاداندیش بود اما

بسیار تحت تأثیر هزاره‌گرایی قرار گرفته بود، ایده‌ای که در آن زمان بدعتی در دین اسلام تلقی می‌شد. اکبر، علی‌رغم آن دیدگاه آزاداندیشانه‌ای که در نگاه به ادیان مختلف داشت وقتی پای جرم و مجرم وسط می‌آمد، بدون هیچ اغماضی و بدون توجه به دین فرد دستور اجرای حکم را برای مجازات او صادر می‌کرد. البته این سخت‌گیری اکبر به موازات گسترش فتوحاتش ملایم‌تر می‌شد. در نگاهی کلی موقعیت زمانی زمامداری اکبر به لحاظ فضای اندیشه دینی به گونه‌ای بوده که نیاز به نوعی بازنگری در نحوه قرائت از اسلام و کتاب و حدیث از سوی جامعه احساس می‌شد.

۱.۳. تأسیس عبادت‌خانه و دین الاهی

در ذی‌القعدة ۹۸۲ ه.ق. (۱۵۷۵ م.) اکبر دستور داد خانقاه شیخ عبدالله نیازی سرهندی بازسازی و در چهار سمت آن اتاق‌های بزرگی ساخته شود. اکبر قصد داشت در ساختمان جدید علمای دین را گرد آورد تا درباره مسائل الاهیاتی، دینی و کلامی تبادل بحث کنند. این تصمیم اکبر تا حدودی متأثر از سیاست‌های دولت‌های مجاور خود نظیر سلیمان کرانی، شاه بنگال و میرزا سلیمان‌شاه بدخشان بوده است. کار ساخت این بنا در عرض یک سال به پایان رسید (همان). اکبرشاه دستور داد نام این بنا را عبادت‌خانه نهند (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۶/۲).

طولی نکشید که جلسات بحث و گفت‌وگو در عبادت‌خانه آغاز شد. تأسیس و آغاز به کار عبادت‌خانه در عصری اتفاق می‌افتاد که جامعه مسلمانان هند تشنه نوعی اصلاحات دینی و فکری بود. اکنون با مرگ شاه‌طهماسب اکبر آزادانه می‌توانست جاه‌طلبی‌هایش را در حوزه دین نیز با فکری آسوده دنبال کند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۵۹۱۱/۸). فضای اندیشه در زمان حکومت اکبر فضای پرسش‌گری درباره منشأ و ضرورت وجود همه چیز بود، این پرسش‌گری رنگ و بوی اعتراضی نداشت بلکه بیشتر جنبه پاسخ‌گویی به نیازهای فکری بود (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۷۷/۲-۱۷۹ و ۱۸۸).

بنا به گفته بدائونی، اکبرشاه شخصاً و از نزدیک در جریان کار تعمیر و ساخت عبادت‌خانه قرار داشت، چراکه در جبهه خارجی تمام دشمنانش را مغلوب کرده بود و اوقات فراغت بسیاری برای دنبال‌کردن سایر آرزوهای خود داشت (همان: ۱۳۷/۲). هر شب جمعه عبادت‌خانه میزبان جماعت علمایی بود که برای شرکت در مباحثات حاضر می‌شدند. علاوه بر این، جلسات منظم، نشست‌هایی نیز در ایام خاص برگزار می‌شد

(Smith, 1917: 132). عبادت‌خانه در ابتدا فقط به روی مسلمانان گشوده بود که در این میان هم فقط اقبشار خاصی، از جمله سادات، علما و امرا، حق حضور در جلسات را داشتند (ibid.).

در نگاه نخست، ممکن است این تصور به وجود آید که اکبر عبادت‌خانه را فقط به منظور ایجاد مکانی برای بحث‌های الهیاتی و کلامی برپا کرد اما باید در نظر داشت که در همین عبادت‌خانه بود که پایه‌های طرح دین الاهی ریخته شد. اما به تدریج عبادت‌خانه به عرصه مناقشات علمای مکاتب مختلف اسلام در بحث‌های فقهی (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۸/۲)، فلسفی و کلامی تبدیل شد و مطرح کردن موضوعاتی مانند ویژگی‌های «انسان کامل» (همان: ۱۷۹/۲) عبادت‌خانه را وارد عرصه جدیدی کرد که مقدمات حضور پیروان سایر ادیان مانند هندوها، جینی‌ها، زرتشتیان، بوداییان، مسیحیان و یهودیان را نیز در آنجا فراهم کرد. اکبر ابتدا از علمای مسلمان می‌خواست درباره مسائل حقوقی و اخلاقی شریعت اسلام با هم مباحثه کنند اما وقتی مشاهده کرد این بحث‌ها رنگ و بوی اغراض شخصی و تنگ‌نظری‌های متحجرانه به خود گرفته است چاره کار را در دعوت از پیروان سایر ادیان یافت. اکبرشاه که بار دیگر مدتی را گرفتار برخی جنگ‌ها شده بود در اول دسامبر ۱۵۸۱ به پایتخت بازگشت و مباحثات عبادت‌خانه را پی گرفت، اما این بار با تشکیل گروهی به نام «چهل‌تن» که از سنی و شیعه در آن بودند تا هندو، سیکه، جین و زرتشتی؛ گروهی که قرار بود در مباحثات استدلال‌های خود به عقل و منطق تکیه کنند (همان: ۲۱۵/۲). اکبر در جمادی‌الاول ۹۸۷ ه.ق. (ژوئن ۱۵۷۹) در مسجد فتح‌پور به نام خود خطبه خواند و در این خطبه شعری سه‌بیتی «به لرزه ... و به تشویش تمام» (همان: ۱۸۶/۲) قرائت کرد که به نظر می‌رسد منتقدان وی مصرع آخر همین شعر را دستاویز اتهام‌زنی به وی (ادعای الوهیت) قرار داده‌اند.^۸ اما در واقع مقصود او از خطبه خواندن، اعلام خلافت اسلام به نام خود بود (Habib, 1997: 86). در همان سال او با صدور بیانیه‌ای به نام «محضر» خود را صاحب‌مقامی بالاتر از همه علمای اسلام اعلام کرد تا «صاحب‌ملکه اجتهاد» و ضل‌الله خوانده شود و اطاعت او تالی اطاعت امر الاهی و واجب شرعی و فرض عینی دانسته شود (نوابی، ۱۳۸۳: ۵۰۷/۱-۵۰۸) تا بتواند جایگاه فرمانروایی خود را از شاه مسلمانان به شاه همگان تعمیم دهد. این بیانیه به دست شیخ مبارک ناگوری نوشته و به امضای عبدالنبی صدرالصدور و مخدوم‌الملک امضا شد و رسماً مجوز اعمال دین الاهی به اکبر

داده شد (شمیل، ۱۳۸۶: ۳۷). دین الاهی به نوعی انجمن سرّی و پنهانی برای بزرگان کشور، به ویژه رجال سیاسی، مخصوصاً رجال مسلمان تبدیل شد، تا بدین وسیله وفاداری خود را به شاه با پذیرش دین جدید اعلام دارند (همان: ۱۳۵). بنا بر قول مجدد «اکبرشاه در ابداع دین الاهی به هیچ وجه ادعای خدایی و پیغمبری نکرد، بلکه هدف وی در اصل ایجاد «صلح کلّ» و تأسیس دینی بود الاهی که زیربنای آن اسلام و اصول مورد قبول و آسان ادیان دیگر بود، او جهت برقراری صلح کلّ و از بین بردن ریشه‌های اختلاف مذهبی در هندوستان این دین را ابداع کرد. دینی که بر اساس آن هیچ کس حق نداشت در حق کسی دیگر از بابت اینکه پیرو مذهب مخالف بود اقدامی کند» (ابن مبارک، ۱۳۸۵: ۵۸).

۲.۳. تجربه‌های مشابه پیش از اکبر

اکبر نخستین کسی نبود که اعتقاد خود به لزوم اصلاحات در دین را در قالب طرحی عملی می‌کرد، چراکه پیش از وی به طور مثال علاءالدین خلجی که در ۶۹۵ ه.ق. در دهلی به حکومت رسید همین راه را در پیش گرفت ولی به توصیه کوتوال^۹ وقت دهلی از موضعش عقب‌نشینی کرد. همان‌طور که اشاره شد، اگر بخواهیم به سال‌های دورتر بازگردیم در زمان اجداد پدری اکبرشاه نیز تجربیات مشابهی دیده می‌شود. قویلای قآن، از نیاکان اکبر، در زمان حکومتش جمعی از اصحاب خرد را از ادیان مختلف در دربار خود دعوت کرد تا درباره بهترین و مناسب‌ترین دین برای مردم تحت حکومتش تصمیم بگیرند (Vayle, 1927: 1/19).

نخستین ترکانی که وارد هند شدند علاوه بر دوری‌جستن از شرب خمر خود را ملزم به اجتناب از ذبح گاو کردند، با اینکه مسلمان بودند. تیمور نیز به آیین اسلام بود که البته بیشتر علایق تسنی داشت تا شیعی. بابر، که نواده دو مرد بزرگ مغول، چنگیزخان و تیمور لنگ، بود، در زمان حکومتش هم به خلیفه سنی مذهب وقت ابراز وفاداری می‌کرد و هم به شاه شیعه ایران دست بیعت می‌داد. همان ضرورت سیاسی‌ای که تیمور را وادار می‌کرد خود را مسلمان اهل تسنن و متعصب جلوه دهد، بابر را نیز بر آن می‌داشت که خود را به حکومت شیعی شاه‌اسماعیل وفادار نشان دهد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۴). همایون نیز در دینداری نه برتر از پدرش بابر بود و نه بدتر. او همچنین برای عرفا احترام قائل بود، چنان‌که زیارت مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در کارنامه وی

گزارش شده است (نوایی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). با این حال وی تاج و خلعت شیعه‌گری را، که شاه ایران به عنوان هدیه برایش ارسال کرده بود، نیز پذیرفته بود. به هر حال جامعه هند در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی میل و گرایش فراوانی به امتزاج فرهنگی میان هندوان و مسلمانان از خود نشان می‌داد. گویی عرفای صوفی در نقش مالکان زمین ذهن مردم هند، قدیسان هندو در نقش شخم‌زندگان بر خاک این زمین و آماده‌سازی آن بودند که به طور خودآگاه و ناخودآگاه آن را آماده کاشت بذر تساهل دینی می‌کردند.

۳.۳. اصول دین الاهی و منشأ آنها

دین الاهی اساساً مجموعه‌ای اخلاقی ("*Britannica, "DIN-I ILAHI*") و شامل آن دسته از تعالیم و ارزش‌های اخلاقی ادیان موجود در هند بود که با هم سازگاری و انطباق داشتند. در دین الاهی اعمالی مانند شهوت‌طلبی، افترا و تهمت مذموم بود و ارزش‌هایی چون تقوا، خردمندی، پرهیزکاری و مهربانی ممدوح. بر طبق دین الاهی، روح انسان می‌بایست مسیر تزکیه را با استعانت از پرودگار می‌پیمود که این آموزه برگرفته از تصوف بود. تجردگرایی رایج در آیین کاتولیک ناپسند شمرده می‌شد. به لحاظ مناسک دین الاهی نوعی یکتاپرستی همراه با تقدیس خورشید بود و در آن آفتاب، آتش و نور جایگاه ویژه‌ای داشت، مختصاتی که در درجه اول یادآور آیین زرتشت، هندو و تصوف بود (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۸۱/۲؛ Ahmad, 1991: 2/296). نور را به عنوان پدیده‌ای الاهی و پرستیدنی گرامی می‌داشت و همچون آیین هندو هزار نام به زبان سانسکریت برای خورشید قائل بود ("*Britannica, "DIN-I ILAHI*"). این گونه گرامی‌داشت آفتاب و آتش نزد اکبر و نیز اختصاص هزار نام به زبان سانسکریت برای خورشید رگه‌هایی از تأثیر آیین هندو و نیز فرقه بهکتی^۱ را تداعی می‌کند (ibid.). اهتمام ویژه دین الاهی به نور را می‌توان گونه‌ای اغراق‌آمیز از توجه به مفهوم نور در فرقه عرفانی سهروردیه دانست (ibid.).

اکبر در دوران جوانی‌اش از طریق معلمان ایرانی با اشعار فارسی و مفاهیم والای عرفانی موجود در آنها آشنایی پیدا کرده بود. بدائونی می‌گوید اکبر هنگام سحر مدت‌ها به تفکر می‌نشست: «سحرها به طریق نیازمندی و دردمندی تنها بر تخته سنگی از حجره کهنه که در جوار محله‌های پادشاهی از آبادانی به یک سو افتاده بود نشسته به

مراقبه مشغول می‌شدند و فیض سحر می‌ربودند» (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۸/۲). در هر حال بسیاری از آموزه‌های اصلی دین الاهی را از تصوف وام گرفته است، چه فرقه‌های رسمی عرفانی و چه فرقه‌های انحرافی ("*Britannica*, "DIN-I ILAHI"). به‌کارگیری رمزآمیز برخی اذکار، که در میان صوفیان مرسوم است، همانند ذکر «الله اکبر» نیز از جمله ویژگی‌های دین الاهی بود. این ذکر همچنین بر روی سکه‌ها و در پای نامه‌های رسمی نیز استفاده می‌شد. به‌علاوه، این ذکر به عنوان بخشی از احوال‌پرسی در مکالمات رسمی استفاده می‌شد (ibid.; بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۴۴/۲، ۲۱۵، ۲۳۶ و ۲۴۸). کاربرد نام «اکبر» در احوال‌پرسی با ذکر «الله اکبر» سنت ذکرگویی تصوف را البته نه در مسیر درست آن، بلکه در مسیری انحرافی، تقویت می‌کرد ("*Britannica*, "DIN-I ILAHI").

نحوه پذیرش عضو جدید در دین الاهی نیز مشابه سنتی است که در فرقه چشتیه دیده می‌شود (ibid.). آزادگی، دوری جستن از اعمال زشت و پاسخ‌دادن خشم با مهربانی و ملایمت، پرهیزکاری، اجتناب از مال‌اندوزی، دینداری و تواضع از جمله ارزش‌هایی است که دین الاهی بر آن تأکید دارد. بیشتر این آموزه‌ها برگرفته از قرآن هستند اما تزکیه نفس با استمداد از خدا، از آموزه‌هایی است که رنگ و بوی عرفانی و صوفیانه دارد (Ahmad, 1991: 2/296). از نگاه عزیر احمد، با این همه، دین الاهی هیچ‌گاه ادعایی در خصوص عرضه متنی مقدس یا ایجاد نظام روحانیتی خاص خود نداشته است (ibid.).

علاوه بر این مفاد اصلی، برخی مناسک فرعی را نیز بدائونی به عنوان محتوای دین الاهی اکبر نقل کرده که به نظر می‌رسد بیشتر آنها حاصل فضایی بوده که در نتیجه مطرح کردن دین الاهی به وجود آمده بوده است، یا اینکه صرفاً با این حرکت، هم‌زمانی داشته و ارتباط مستقیمی با آن نداشته است. بدائونی بسیاری از این اعمال و رفتارها را مخالف اسلام و نشانه بروز و انتشار کفر (بدائونی، ۱۳۷۹: ۲۱۲/۲) می‌داند که البته گاه ظاهراً حق با او است. برخی از این اعمال و مناسک به طور خلاصه به شرح زیر است: تراشیدن ریش (همان)، نواخته‌شدن ناقوس کلیساها (همان)، نصب علنی نقاشی‌های حاوی مضمون تثلیث (همان)، آوازخوانی و نواختن موسیقی (همان)، ورود سگ و خوک به اتاق غذاخوری دربار (همان)، رفع وجوب غسل (همان)، رفع تحریم خوردن گوشت شیر و گراز (همان)، جواز شرب خمر (همان)، منع اطعام عمومی در مجالس ختم و جایگزینی آن با «آش حیات» که در سالروز تولد شخص پخت و توزیع می‌شد (همان)،

ممنوعیت ازدواج با فرزندان عمو و دایی و خاله و عمه (همان)، ممنوعیت ازدواج دختران پیش از چهارده سالگی و پسران پیش از شانزده سالگی (همان)، رفع تحریم پوشیدن لباس زربافت و ابریشمی برای مردان مسلمان (همان)، رفع وجوب نماز، روزه و حج (همان)، منع فراگیری زبان عربی، فقه، تفسیر و حدیث و تدریس و تعلیم نجوم، طب، ریاضیات و تاریخ به جای آنها (همان).

نتیجه

تولد یافتن اکبر در خاندانی مغول در آسیای مرکزی که در استقبال از ادیان جدید و گرویدن به آنها سابقه داشتند به همراه تجربیات دوران نوجوانی وی و مشاهده تساهل دینی پدرانش در مواجهه با سایر ادیان ذهن او را مستعد پذیرش آموزه‌های ادیان دیگر کرده بود. لذا اعتقادی درونی در خصوص وجود وحدتی باطنی میان آموزه‌های ادیان مختلف از اوان کودکی در شخصیت اکبر شکل گرفته بود. اکبر در دوره‌ای حاکمیت هند را در دست داشت که یک هزاره از ظهور اسلام می‌گذشت و عده‌ای از صاحبان اندیشه از لزوم بازنگری در آنچه به نام اسلام در جامعه آن روزگار در حال اجرا بود سخن می‌گفتند. حضور و نفوذ عناصر حکومتی و اداری و زنان متعلق به ادیان مختلف در دربار وی نیز هر یک تأثیر بسیاری در تقویت عقیده اکبرشاه درباره اشتراکات ادیان داشت. اکبر با مطرح کردن ایده دین الاهی در واقع می‌خواست تمام مردم هندوستان را به سوی وحدت و یکپارچگی ببرد و اختلافات و منازعات دینی و مذهبی را، به‌ویژه میان هندوها و مسلمانان، برطرف کند.

یکی از دیگر دلایل مطرح کردن دین الاهی دلایل اجتماعی - سیاسی بود. اکبر درصدد بود با نزدیک کردن مردم کشورش به همدیگر، گسترش فضای دوستی و محبت و ریشه‌کن کردن نفرت و بدبینی میان پیروان ادیان مختلف، صلحی فراگیر را در امپراتوری گورکانی ایجاد و مقدمات تبدیل آن به قدرت برتر جهان اسلام را در رقابت با ایران و عثمانی‌ها پایه‌ریزی کند. در کنار هم قرار گرفتن این موقعیت‌های زمانی و مکانی باعث شد اکبر دین الاهی را مطرح کند؛ ایده‌ای که علی‌رغم تمام کاستی‌ها، در نگاهی کلی محتوای مطلوبی داشت؛ اینکه پیروان ادیان الاهی یا غیرالاهی برای پایان دادن به اختلافات و منازعات پایان‌ناپذیر بر روی مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی به تفاهم برسند و خود را ملزم به رعایت آنها بدانند.^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. شَمَن (shaman) به لحاظ ریشه‌شناختی محل اختلاف است. برخی این واژه را برگرفته از زبان تونغوزی آسیای میانه و به معنای دانا می‌دانند (Janhun, 1986: 194, 97). برخی دیگر آن را برگرفته از شَرَمَنَه (ramanaṣ) در زبان سنسکریت و به معنای جست و جوگر می‌دانند که از طریق آیین بودا ممکن است به آسیای میانه رسیده باشد (Eliade, 1989: 495). دیدگاه سومی نیز وجود دارد که آن را مرتبط با کلمه «شیطان» در زبان عربی می‌داند (Tomaskova, 2013: 76, 104). ایاده شمنیسم را «فن خلسه دینی» تعریف می‌کند (Eliade, 1972: 3-7). شمن‌ها مدعی هستند می‌توانند با روح خود به جهان‌های دیگری سفر کرده، با دیگر ارواح و عالم غیب ارتباط برقرار کنند و با این کار میان جهان مادی و جهان روحانی توازن برقرار کنند، بیماران را شفا دهند، آینده را پیش‌بینی کنند و مشکلات پیش روی قوم خود را برطرف کنند (ibid).
۲. چهارمین خان بزرگ از خانان مغول (Mōngke Khan) که از ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۹ میلادی حکومت کرد (بریتانیکا: ذیل مدخل).
۳. برای مطالعه بیشتر نک: مدخل صدر اعظم (Sadr-i-Azam) در *دائرةالمعارف اسلام* (ویرایش دوم).
۴. یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایالت گجرات هند.
۵. دینی یکتاپرست محور که در قرن پانزدهم میلادی در منطقه پنجاب هند به وسیله گورو نانک شکل گرفت (Singh, Patwant (2000). *The Sikhs*, Alfred A Knopf Publishing, P. 17).
۶. دینی که در قرون ۵ تا ۷ قبل از میلاد در هند شکل گرفت و هدفش فراهم کردن مسیری به سمت پاک‌سازی روحانی و رستگاری فرد است که بر اساس آن، پاک‌سازی از طریق زندگی بر پایه سنت اهیمنسا (پرهیز از آزار هر گونه جاندار) دست‌یافتنی است (Britannica (2009), "Jainism" *Encyclopedia*).
۷. بدائونی این سخن را از زبان اکبرشاه به عبدالنبی نسبت می‌دهد.
۸. خداوندی که ما را خسروی داد / دل دانا و بازوی قوی داد
به عدل و داد ما را رهنمون کرد / به جزل عدل از خیال ما برون کرد
بود وصفش، ز حد فهم برتر / تعالی، شأنه الله اکبر
۹. واژه‌ای هندی به معنای «فرماندار».
۱۰. بهکتی نزد هندوان اصطلاح عامی است به معنای «ستایش عاشقانه» که با توجه به مفهوم گسترده‌اش، می‌تواند جزئی جدایی‌ناپذیر از هر دینی باشد، اما در سرزمین هند، اصطلاح بهکتی، به طور ویژه، از چند سده پیش از میلاد مسیح به تدریج با مجموعه‌ای از خدایان، باورها و اعمال دینی خاص ارتباط یافت، تا آنجا که امروزه مهم‌ترین مؤلفه در مذاهب عمده هندویی به شمار می‌رود (الیاسی، ۱۳۹۱).
۱۱. برای مطالعه بیشتر درباره تحولات شکل‌گرفته در تاریخ معاصر تفکر اسلامی هندوستان نک: عبادی، احمدرضا (۱۳۹۳). «بررسی سیر تطور تفکر دینی اسلامی در شبه‌قاره از قرن ششم تا سیزدهم ه.ق.». در: *هفت آسمان*، ش ۵۹، ص ۱۸۳-۲۱۳.

منابع

- ابن مبارک، ابوالفضل (۱۳۸۵). *اکبرنامه*، تصحیح: غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الیاسی، پریا (۱۳۹۱). «نخستین نموده‌های بهکسی یا عبادت عاشقانه در متون هندو»، در: *پژوهش‌نامه ادیان*، س ۶، ش ۱۱، ص ۱-۲۸.
- بدائونی، ملا عبدالقادر بن ملوک‌شاه (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*، تصحیح: توفیق سبحانی، و مولوی احمد صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*، تصحیح: غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شیخ عطار، علی‌رضا (۱۳۸۱). *دین و سیاست؛ مورد هند*، تهران: بی‌نا.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶). *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه: فرامرز سمیعی نجد، تهران: امیرکبیر.
- علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۰). «روابط اهل سنت شبه‌قاره با شیعه در حوزه سیاست و اندیشه»، در: *امامت پژوهی*، س ۱، ش ۲، ص ۱۵۹-۱۸۷.
- فانی کشمیری، محسن بن حسن (۱۳۶۱). *دبستان مذاهب*، تهران: بی‌نا.
- فدایی، نصرالله بن محمد حسین (۱۳۷۴). *داستان ترک‌تازان هند*، تهران: الهام.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فوائد الصوفیه*، تصحیح: مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کوفی، علی بن حامد (۱۳۸۴). *فتح‌نامه سند (چچ‌نامه)*، تصحیح: داوود پوته، تهران: اساطیر.
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۶۷). «اسلام»، در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به کوشش: سید کاظم موسوی بجنوردی، ج ۸، تهران: نشر مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۳). *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق.* همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Ahmad, Aziz (1991). "DIN-I ILAHI", *Encyclopedia of Islam*, second edition, vol.2/296, Leiden: Brill.
- Alam Khan, Iqtidar (1986). "Medieval Indian Notions of Secular Statecraft in Retrospect", *Social Scientist*, Vol. 14, pp. 3-15.
- Ali, Yusuf (1915). "A New Standpoint on Akbar's Religion", *East India Association Journal*, London.
- Cunningham, Joseph. Davey (1918). *History of the Sikhs*, Oxford.

دلایل مطرح‌شدن «دین الاهی» از سوی اکبرشاه گورکانی در هند / ۱۳۷

- Eliade, Mircea (1972). *Shamanism, Archaic Techniques of Ecstasy*, Bollingen Series LXXVI, Princeton University Press.
- Eliade, Mircea (1989). *Shamanism: Archaic Techniques of Ecstasy*, Arkana Books.
- Habib, Irfan (1997). *Akbar and His India*, New Delhi: Oxford University Press.
- Janhunan, Juha (1986). "Siberian Shamanistic Terminology", *Memoires de la Societe finno-ougrienne*, 194: 97-117.
- Kennedy, Pringle (1968). *History of the Great Mughuls*, Calcutta.
- Schimmel, Annemarie (2004). *The Empire of the Great Mughals: History, Art and Culture*, London: Reaktion Books.
- Smith, Vincent, A. (1917). *Akbar the Great Mogul*, Oxford: Clarendon.
- Tomášková, Silvia (2013). *Wayward Shaman: The Prehistory of an Idea*, University of California Press.
- Vayle, Felix (1927). *Islamic Culture*, Hyderabad.
- Britannica Encyclopedia*, available at: <http://www.britannica.com>